

چاپ چهاردهم

# عرفان و رندی در شعر

حافظ

داریوش آشوری



## دیباچه

کتابی که در دست دارید همان هستی‌شناسی حافظ است که نشر یکم آن در ۱۳۷۷ منتشر شد و اکنون با بازنگری اساسی و کاست و افزودن بسیار در مطالب آن دیگر بار منتشر می‌شود. نام کتاب را به عرفان و رندی در شعر حافظ تغییر داده‌ام که درون‌مایه‌ی کتاب را بهتر از «هستی‌شناسی حافظ» می‌رساند. آنچه این پژوهش در پی آن است نشان دادن همین در هم تنیدگی «عرفان» و «رندی» در شعر حافظ است و یافتن پیوندگاه و گرانیگاه نظری آن دو. مایه و دیدگاه اساسی کتاب همان است که در نشر یکم آن بود. در این نشر، امّا، کوشیده‌ام در پرتو مطالعات تازه و اندیشه‌ی بیش و بیش‌تر در باره‌ی این موضوع، با بازبینی متن گذشته و افزودن فصل‌های تازه بر آن، آن طرح را روشن‌تر و پخته‌تر عرضه کنم.

از آن جا که این گونه مطالعه از راه مفهوم‌ها و روش‌های علوم انسانی مدرن در باره‌ی جستارهای فرهنگی و ادبیات در زبان فارسی هنوز چندان آزموده و پرورده نشده است، کوشش در این جهت برای کسی که خطر می‌کند و چنین کار گرانی را به گردن

می‌گیرد کاری‌ست بسیار دشوار و توان‌فرسا. همچنین فهمیده شدن و به‌ویژه درست فهمیده شدن آن به دلیل دشواری مطلب و ناآشنایی افقی دید و روش و زبان بیان آن، مسائل و مشکلات بسیار دارد.

چه بسا بزرگ‌ترین گرفتاری در زمینه‌ی درک درست مایه و روش چنین پژوهشی «آشنایی» بیش از اندازه‌ی ما با حافظ و گمانی‌ست که کم-و-بیش هر کس از فهم او نزد خود دارد، و ای بسا گمانی غیورانه و متعصبانه، چنان که «آشنایی زدایی» از او را برای قرار دادن اندیشه‌ی وی در افق تازه‌ای از فهم، بسیار دشوار می‌کند. به هر حال، نویسنده‌ی این کتاب با گذاردن بیش از دو سال دیگر بر سر پژوهش و مطالعه و باریک‌اندیشی بیش‌تر در باره‌ی این موضوع، با فرصتی که به همّت یک نهاد فرهنگی بین‌المللی برای او فراهم شد، این کتاب را از نو پرداخت، با این امید که حاصل آن اکنون پیراسته‌تر و پرداخته‌تر و دریافتنی‌تر عرضه شده باشد. مطالعات بیش‌تر برای این موضوع؛ زمینه‌های گوناگونی چون تفسیرشناسی فلسفی (hermeneutics)، و کاربرد آن در معناشناسی متن‌های ادبی، اسطوره‌شناسی، تاریخ تصوّف، و تاریخ ادبیات فارسی را در برداشت.

نکته‌ی مهمّی که در نشر یکم ناگفته مانده بود روش این پژوهش و شیوه‌ی رهیافت آن به جستارمایه‌ی خود بود که به‌طبع دشواری‌هایی در فهم آن پیش می‌آورد. در این نشر روش کار را، که برای دریافت درست آن اهمیت اساسی دارد، در «درآمد» کتاب بازگفته‌ام.

اما، پیش از درآمدن به اصل مطلب، بد نیست به پرسشی پردازیم که چه بسا برای کسانی از خوانندگان من مطرح باشد؛ و آن این که مرا با حافظ چه کار و حافظ را با من چه نسبت؟ کسی را که تاکنون در

زمینه‌ی علوم اجتماعی و فلسفه و ترم‌شناسی علوم انسانی کار کرده و در این زمینه‌ها مقاله و کتاب نوشته و ترجمه کرده، چرا به حافظ پرداخته است؟ این پرسشی است به‌جا که پاسخ گفتن به آن چه بسا به زدودن برخی ابهام‌ها در ذهن خوانندگان این کتاب و فهم بهتر معنا و مقصود آن یاری کند. آشکار است که در میان ما انتظار همگانی آن است که کتابی در باره‌ی حافظ را می‌باید یک «ادیب» بنویسد، یعنی کسی که بر سر دانش ادبی، به اصطلاح، استخوان خرد کرده و چیرگی خود را در این کار به اثبات رسانیده باشد. یک دانشجوی علوم انسانی را با این کار چه کار؟

نکته‌ای که در این باب می‌باید یادآور شد این است که فهم یک متن یا اثر ادبی، تا آن‌جا که به فهم «ادبی» متن مربوط می‌شود، یعنی مسائل و دشواری‌های زبانی درست خواندن و فهمیدن یک متن از نظر لغت‌شناسی و دستورشناسی، و نیز درک شگردها و هنرآوری‌های زبانی، کار ادیب است و به ادبیات‌شناسی مربوط است، به معنایی که در دانشکده‌های ادبیات درس می‌دهند و می‌پژوهند. اما، از سوی دیگر، هر اثر ادبی و هنری اگرچه فراورده و آفریده‌ی ذهن یک فرد است، از آن جهت که هر ذهن فردی از یک متن جمعی فرهنگی و تاریخی برمی‌خیزد و به آن تکیه دارد و محدود به آن است، فراورده‌ی یک زندگانی تاریخی و فرهنگی نیز هست؛ زندگانی‌ای که همچون زمینه‌ای ناخودآگاه در زیرمتن آن نشسته است. بی آن زمینه نه فردیت آفریننده‌ی اثر در میان می‌بود و نه آفرینندگی ادبی و هنری وی. اثر ادبی و هنری از این جهت، یعنی از جهت پیوند آن با زیرمتن تاریخی و فرهنگی، در قلمرو اندیشه‌ی علمی و فلسفی مدرن، جستارمایه‌ی پژوهش و اندیشه برای فیلسوف و جامعه‌شناس و

قوم‌شناس و زبان‌شناس و روان‌شناس و فرهنگ‌شناس و تاریخ‌شناس نیز هست.

علوم انسانی که در این دو قرن در مغرب‌زمین رشد شگرف و شتابانی داشته، به ادبیات و فرهنگ نوشتاری هم به عنوان سند نظریه‌پردازی‌های خود توجه داشته و هم درهای تازه‌ای برای فهم ادبیات و هنر همچون یکی از فراورده‌های بسیار مهم و گویای زندگانی جمعی و فرهنگی انسانی گشوده است. یعنی، به ادبیات نه تنها همچون گفتار نویسنده و شاعر، که جستارمایه‌ی کار ادبیات-شناس است، بلکه همچون گفتمانی (discourse) می‌نگرد که گفته‌ها و نیز ناگفته‌های متن آن بر زیرمتنی از تاریخ و فرهنگ و روابط و نظام اجتماعی و نیز جایگاه هستی‌شناسانه‌ی انسان در جهان تکیه دارد، و از این جهت مایه‌های بسیار برای شناخت آن زیرمتن و فهم آن به دست می‌دهد.

پژوهنده‌ای که می‌خواهد از دیدگاه علوم انسانی یا دیدگاه فلسفی خاصی به ادبیات یا یک متن ادبی بنگرد، البته، می‌باید سواد ادبی کافی داشته باشد و متن را از نظر ادبی به درستی بخواند و بفهمد، اما کار او، به هر حال، ادیبانه و از دیدگاه متن‌شناسی ادبی نیست. کار او را از دیدگاه ویژه‌ی او و رهیافت او به ادبیات می‌باید فهمید و ارزیابی کرد. این کتاب نیز برای هدفی جز فهم ادبی دیوان یک شاعر نوشته شده است. هدف این کتاب فهم ساختار معنایی نهفته در دیوان شاعری است که خود را اهل اندیشیدن به مسائل بنیادی وجودی می‌داند و دیگران نیز او را همین گونه می‌شناسند. این ساختار معنایی اگر که روشمندان و با تکیه بر مفهوم‌های سنجیده نزد اهل اندیشه‌ی علمی و فلسفی شکافته و فهمیده شود، البته، به فهم بهتر ادبی دیوان

وی و نیز ویرایش بهتر متن آن نیز یاری تواند رساند (زیرا برخی نکته‌ها و مسائل مربوط به نسخه‌شناسی دیوان حافظ و اختلاف ضبط نسخه‌ها هست که، به گمان من، تنها در پرتو فهم جامع دیوان می‌توان پاسخ دقیق به آن‌ها داد).

آنچه می‌توانم به عنوان انگیزه‌ی اصلی خود برای به انجام رساندن چنین کاری یاد کنم آن است که من این کار را تنها نه از نظر ارزش و اهمیت علمی و نظری آن، بلکه به‌عنوان یک پروژه‌ی هرمنوتیکی از نظر «فرهنگ-درمانی» نیز انجام داده‌ام، یعنی برای چیرگی بر سرگیجه‌ی برآمده از واماندگی‌مان در میان دو عالم «شرقی» و «غربی». از سویی، بیرون آوردن حافظ از ورای پرده‌های همه‌ی رمز-و-رازی که سنت بر او می‌تند و با این کار او را در جایی در عالم هستی می‌نشانند که برای فهم همگانی بشری دسترس‌ناپذیر می‌نماید، و از سوی دیگر، رفع تناقض‌های توجیه‌ناپذیری که تفسیرهای «مدرن» بر او بار کرده‌اند، هدف این کار بوده است. در حقیقت، من در درگیری‌ها و بحران‌های فکری‌ام، و با نظر کردن در فراگیری این بحران در روزگار ما در میان همه‌ی کسانی که ریشه در فرهنگ «ما» دارند، و به‌ویژه سرامدان فرهنگی‌مان، در پی سال‌ها پرسش از معنا و چند-و-چون این بحران و گشتن در پی ریشه‌های آن، به این نتیجه رسیدم که برای چاره‌کردن این بحران در جایی می‌باید پلی میان دو پاره‌ی «شرقی» و «غربی» وجودمان زد. به این معنا که، پاره‌ی «شرقی»‌مان را از راه وسایل فهمی که پاره‌ی «غربی» در اختیار می‌گذارد، فهمید. البته نه آن‌گونه که در این یک قرن «شرقیانه» فهمیده ایم — تا بر این «روان‌پارگی» فرهنگی بتوانیم چیره شویم و از رنج آن برهیم. و به گمان من، حساس‌ترین نقطه و گره‌گاه از نظر فرهنگی برای گشودن

همین دیوان حافظ است که جایگاهی بس بزرگ و شگفت و پررمز- و-راز در میان ما دارد. بنا بر این، این کتاب پلی ست میان دیوان حافظ و تفسیرشناسی (هرمنوتیک) مدرن که، چنان که گفتم، کاری بیش از یک پژوهش ادبی-فلسفی در پیش دارد و می‌کوشد تا به یک بحران فرهنگی پاسخ گوید و از آن گره‌گشایی کند.

نکته‌ی دیگری که از یاد نمی‌باید برد مشکل زبان است. بیگانگی زبان ما با این گونه شیوه‌ی شناخت و تحلیل و بیان نویسنده را ناگزیر از آن می‌کند که برای مفهوم‌هایی که از زبان‌های پیشرو این گونه شناخت و تحلیل وام می‌گیرد واژه‌های نوساخته و ناآشنا به کار برد. و این کار ناگزیر بر دشواری فهم متن می‌افزاید. ولی من، همچنان که از دو-سه دهه پیش در مقاله‌های خود در باره‌ی مسائل امروزی زبان فارسی گفته‌ام، بر آن‌ام که بدون بازسازی و نوسازی آگاهانه‌ی این زبان هرگز نخواهیم توانست از عهده‌ی بازگرد دست‌آوردهای علمی و فلسفی مدرن به فضای فرهنگی خود برآییم. و این کاری ست که از چند نسل پیش در زبان فارسی آغاز شده و هنوز نیز چنان که باید به جای دلخواه نرسیده است. این بازنگری زبانی هم از نظر واژگان و هم سبک نگارش ضروری ست. من با این آگاهی شیوه‌ی نگارش و واژگان خود را در نوشته‌ها و ترجمه‌هایم به کار می‌برم. سراسر است و روشن کردن زبان نوشتاری فارسی و بیرون آوردن آن از چنبره‌ی دستکاری‌های ویرانگرانه‌ی چندصدساله در آن و دوباره اندیشیدن به ساختار هر عبارت و جمله و جای پاره‌های آن‌ها در زنجیره‌ی واژه‌ها، و ساختن و پرداختن واژگانی درخور دستگاه پهناور مفهوم‌های علمی و فلسفی مدرن، جنبه‌های اساسی این کاراند. (در این باب نگاه کنید به بازاندیشی زبان فارسی به همین قلم).

کتاب هستی‌شناسی حافظ نخستین بار در سال ۱۳۷۷ منتشر شد و از آنجا که با دیدگاهی نو و با اتکا به مفهومی‌ها و روش‌های علوم انسانی جدید به کندوکاو در اندیشه و جهان‌بینی خواجه‌ی شیراز می‌پرداخت در میان حافظ‌دوستان و حافظ‌پژوهان بازتابی گسترده و چشمگیر داشت و بحث‌های بسیار برانگیخت. کتاب حاضر همان کتاب است اما همان دیدگاه و درونمایه را در پرتو مطالعه و پژوهش و تأمل و اندیشه‌ی بیشتر، با استدلالی پرورده‌تر و پخته‌تر و کامل‌تر عرضه می‌کند. هدف اصلی این پژوهش نشان دادن پیوند و درهم‌تنیدگی «عرفان» و «رندی» در شعر حافظ و شناختن آن منطق درونی هدایت‌کننده‌ای است که تمامی نمادها و مفهومی‌ها و تعبیرهای گوناگون و پرمعنای او را یگانگی می‌بخشد و به کمک آن می‌توان جهان معنا و اندیشه‌ی حافظ را بازیافت و بازساخت.

### کتاب‌های داریوش آشوری با نشر مرکز

فرهنگ علوم انسانی (ویرایش سوم)

زبان باز پژوهشی درباره‌ی زبان و مدرنیت

شعر و اندیشه

✓ عرفان و رندی در شعر حافظ

بازاندیشی زبان فارسی

ISBN: 978-964-305-550-9



9 789643 055509

۳۷۵۰۰ تومان

